



پسر جوانی که بعد از مصرف مشروب در جریان درگیری با مرد همسایه، برادر وی را به قتل رسانده بود، روز گذشته محاکمه شد. به گزارش خبرنگار ما، سی و یکم خردادماه سال ۹۵، مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در یکی از خیابان‌های شهرری باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به جوان ۳۰ ساله‌ای به نام پیام بود که در یک درگیری با چاقو کشته شده بود. برادر مقتول که در محل حاضر بود به مأموران گفت: در خانه استراحت می‌کردم که با صدای پسر همسایه به نام مهران به کوچه رفتم، وقتی اعتراض کردم، او در حالی که مست بود ناراحت شد و با هم درگیر شدم. برادرم برای میانجیگری وارد درگیری شد که مهران با چاقو به او ضربه زد. بعد از توضیحات آن مرد، مأموران مهران ۲۵ ساله را که به خانه فرار کرده بود، بازداشت کردند. او با اقرار به جرمش گفت: وقتی مقتول حین درگیری رسید او را هل دادم و خواستم دخالت نکند. نمی‌دانم چطور چاقو به پهلوی او خورد و به قتل رسید. بعد از اقرارهای متهم و کامل شدن تحقیقات این پرونده روز گذشته روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه بعد از قرائت کیفرخواست و درخواست قصاص از سوی اولیای دم متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: شب حادثه مست بودم و حال طبیعی نداشتم. به کوچه رفتم تا هوا بخورم که مرد همسایه به کوچه آمد و با اعتراض او با هم درگیر شدم. حین درگیری بود که پیام رسید. او قصد میانجیگری داشت، اما از عصبانیت درحالی‌که چاقو در دستم بود، او را هل دادم. باور کنید نمی‌دانم چطور شد که چاقو به پهلوی او فرو رفت و منجر به قتل شد. متهم در ادامه گفت: وقتی مقتول روی زمین افتاد از ترس به خانه برگشتم که ساعتی بعد مأموران مرا دستگیر کردند.

متهم در آخرین دفاعش در حالی که گریه می‌کرد، گفت: اشتباه کردم نباید در آن حالت دست به چاقو می‌شدم. مدت‌ها بود که پدرم به اتهام سرقت از باغی که او نگهداشتی بود، به زندان افتاده بود. بعد از آن مادرم با دستفروشی مخارج من و دو خواهرم را تأمین می‌کرد. حالا از اولیای دم می‌خواهم مرا ببخشند تا بتوانم کمک خرج خانواده باشم.

بعد از آخرین دفاع متهم، هیئت قضایی وارد شور شد.

بازداشت قاتل فراری با اسم مستعار

مردی که بعد از ارتکاب قتل در شهرستان گرگان به هیرمند در استان سیستان و بلوچستان گریخته بود، بازداشت شد. سرهنگ ابراهیم ملاشاهی، رئیس پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان گفت: در پی وصول خبری مبنی بر مخفی شدن قاتل فراری در یکی از محلات شهرستان هیرمند، شناسایی و دستگیری متهم به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: مأموران پلیس آگاهی متوجه شدند که متهم با نام مستعار زندگی تازه‌ای را شروع کرده است که او را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت به خاطر اختلاف مالی دست به قتل زده است.

کشف عتیقه‌های ایلخانی در محمودآباد

فرمانده انتظامی مازندران از شناسایی و دستگیری سه قاچاقچی عتیقه و کشف بیش از ۱۸ قطعه سکه طلا مربوط به دوره ایلخانی در شهرستان محمودآباد خبر داد. سردار سید محمود میرقزینی گفت: در پی شناسایی باند سه نفره خرید و فروش اشیای تاریخی و عتیقه در شهرستان محمودآباد، موضوع در دستور کار مأموران قرار گرفت و مأموران پلیس آگاهی با انجام تحقیقات پلیسی موفق به شناسایی و بازداشت تعدادی این باند شدند. وی ادامه داد: در بازرسی از مخفیگاه متهمان ۱۷ عدد سکه و یک عدد آویز طلا متعلق به دوره ایلخانیان کشف شد. بررسی‌هایشان داد که متهمان در حفاری‌های غیرمجاز به این مقدار اشیای عتیقه دست یافته بودند که پس از تشکیل پرونده به مرج قضایی معرفی شدند. ارزش عتیقه‌های کشف شده بیش از یک میلیارد تومان اعلام شده است.

غرق شدن کشتی مسافری بری تلفات نداشت

مدیر اداره بندر و دریانوردی کیش علت غرق شدن کشتی مسافری رونا ۱۱۰۰ آبرگفتگی موثر خانه اعلام کرد و افزود: این حادثه تلفات جانی به همراه نداشته،

احمد شهر یاری توضیح داد: این حادثه صبح دیروز به دلیل آبرگفتگی کشتی در اسکله روبه‌روی بندر کیش رخ داده

و سبب غرق شدن کشتی شده است. وی ادامه داد: پس از اعلام کاپیتان کشتنی به برج کنترل، نیروهای سازمان

بندر و بندرگاه در محل حضور پیدا کردند و اقدامات لازم را انجام دادند.

شهر یاری با بیان اینکه هشت نفر خدمه داخل کشتی بودند که همه نجات یافتند، اظهار کرد: در این حادثه هیچ تلفات جانی نداشته‌یم و مسافری داخل کشتی نبود و علت حادثه در دست بررسی است.

کشتی مسافر بری با ظرفیت ۱۸۵ تا ۲۲۰ مسافر در خط کیش چارک و بالعکس و همچنین برای برنامه‌های شبانه

فعالیت می‌کرد.

تلاش کارآگاهان پلیس تهران برای بازداشت مردی که دوماه قبیل دلافروشی را در جریان سرقت گانگستری در خیابان فردوسی به قتل رسانده بود، به ثمر نرسست و متهم بازداشت شد. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹:۱۵ صبح روز یک‌شنبه ششم فروردین‌ماه مأموران گشت پلیس راهور هنگام عبور از خیابان خارک‌باددین خودروی پرایدی که با دو سرنشین به سرعت در حال عبور بود به راننده‌اش فرمان ایست دادند. راننده اما بدون توجه به هشدار پلیس به مسیرش ادامه داد و با چند خودروی پارک شده کنار خیابان هم تصادف کرد. مأموران پلیس متوجه شدند که سرنشین پراید با راننده درگیر شده است. با بلند شدن صدای شلیک گلوله از داخل سواری پراید، مأموران احتمال دادند که سنارپوی خونینی در حال رقم خورده باشد به خاطر همین مأموران کلاتری ۱۲۹ کرد تا محل را ترک نشوند. همزمان رهگذاران متوجه شدند که سرنشین پراید با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و زخمی شده است. آنها در اولین گام مرد مردهجرح کردند. مأموران پلیس راهور هم موفق شدند مرد مسلح را از پراید خارج کرده و ماجرا را به مأموران پلیس خبر دادند. مأموران پلیس راهور هم موفق شدند مرد مسلح را راجع سلاح کنند. متهم که مردی قوی‌هیکل و حدوداً ۴۵ ساله بود ناگهان کاتری آل‌لباستس خارج کرد و تهدید به خودکشی کرد. مأموران پلیس تلاش کردند او را آرام کنند. متهم در یک لحظه خودش را به خودروی پرایتش رساند و اسلحه دیگری از زیر صندلی برداشت و بار دیگر پلیس و رهگذاران را تهدید به مرگ کرد. او سرانجام پشت فرمان نشست و از محل دور شد.

انتقال مجروح حادثه به بیمارستان در شاخه دیگری از بررسی‌ها مجروح حادثه که مردی ۵۳ ساله به نام علیرضا بود و از ناحیه شکم هدف اصابت می‌آورد و بدقولی می‌کرد. به همین دلیل وقتی متوجه شدیم او در بیمارستان بستری است، تصمیم گرفتیم او را ترخیص کنیم و به ویلای یکی از دوستانمان در جاده چالوس ببریم. من و احسان طبق نقشه با ماشین به بیمارستان رفتیم و با اصرار مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم. قرار بود او را به ویلا ببریم، اما مقتول سنگین وزن بود و من نمی‌توانستیم او را جابه‌جا کنیم و از ماشین بیرون ببریم. این مشکل باعث شد دو روز با ماشین در خیابان‌ها بگردیم و در این مدت هر بار که او را پیدا کرده‌اند.

در ادامه تحقیقات، مأموران پلیس با بررسی لیست مکالمات تلفنی مقتول دریافتند مردی به نام رضا قبل از ترخیص بارها با او تماس گرفته است. بنابراین با گذشت سه سال از ماجرای قتل، رضا بیست و نهم آبانماه سال ۹۲ دستگیر شد. او به مأموران توضیح داد: من همراه سه نفر از دوستانم به نام‌های احسان، سجاد و حامد از حجت طلب داشتمیم. هر وقت با او تماس می‌گرفتمیم، بهانه‌ای می‌آورد و بدقولی می‌کرد. به همین دلیل وقتی متوجه شدیم او در بیمارستان بستری است، تصمیم گرفتیم او را ترخیص کنیم و به ویلای یکی از دوستانمان در جاده چالوس ببریم. من و احسان طبق نقشه با ماشین به بیمارستان رفتیم و با اصرار مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم. قرار بود او را به ویلا ببریم، اما مقتول سنگین وزن بود و من نمی‌توانستیم او را جابه‌جا کنیم و از ماشین بیرون ببریم. این مشکل باعث شد دو روز با ماشین در خیابان‌ها بگردیم و در این مدت هر بار که او را پیدا کرده‌اند.

در ادامه تحقیقات، مأموران پلیس با بررسی لیست مکالمات تلفنی مقتول دریافتند مردی به نام رضا قبل از ترخیص بارها با او تماس گرفته است. بنابراین با گذشت سه سال از ماجرای قتل، رضا بیست و نهم آبانماه سال ۹۲ دستگیر شد. او به مأموران توضیح داد: من همراه سه نفر از دوستانم به نام‌های احسان، سجاد و حامد از حجت طلب داشتمیم. هر وقت با او تماس می‌گرفتمیم، بهانه‌ای می‌آورد و بدقولی می‌کرد. به همین دلیل وقتی متوجه شدیم او در بیمارستان بستری است، تصمیم گرفتیم او را ترخیص کنیم و به ویلای یکی از دوستانمان در جاده چالوس ببریم. من و احسان طبق نقشه با ماشین به بیمارستان رفتیم و با اصرار مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم. قرار بود او را به ویلا ببریم، اما مقتول سنگین وزن بود و من نمی‌توانستیم او را جابه‌جا کنیم و از ماشین بیرون ببریم. این مشکل باعث شد دو روز با ماشین در خیابان‌ها بگردیم و در این مدت هر بار که او را پیدا کرده‌اند.

پنج گلوله قرار گرفته بود، به بیمارستان منتقل شد و با جملاتی بریده خودش را دلافروش معرفی کرد و گفت سارق مسلح او را زبوده و قصد سرقت دلاهایش را داشت که با او درگیر شد و حادثه اتفاق افتاد. بعد از آن بود که پرونده با موضوع سرقت مسلحانه تشکیل شد

و تیمی از کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی به دستور قاضی شعبه اول دادسرای ناحیه ۲۴ مأمور رسیدگی به پرونده شدند.

ماجرا از زبان مرد دلافروش

در اولین گام کارآگاهان پلیس راهی بیمارستان شده و از مرد دلافروش قبل از انتقال به اتاق عمل تحقیق کردند. او گفت: من به صورت سریایی در خیابان فردوسی دلافروشی می‌کنم. ساعتی قبل یک سواری پراید کنارم توقف کرد. راننده خودش را پلیس معرفی کرد. بی‌سیم، دستبند و اسلحه به من نشان داد و خواست که سوار شوم. احتمال دادم که مأمور باشد به خاطر همین سوار شدم. او از من خواست دلاهایم را به او بدهم تا آنها را بررسی کند. خواستم که کارت شناسایی‌اش را نشانم دهد که اسلحه کشید و تهدیدم کرد. مطمئن شدم که پلیس قاچبی است به خاطر همین با او درگیر شدم که گلوله‌ای شلیک کرد که به من اصابت کرد. در حالی که زخمی شده بودم خودم را رزوی دستی که اسلحه داشتم، انداختم. اسلحه از دستم رها شد و به زیر صندلی افتاد. در حال حرکت اسلحه دیگری کشید و چند گلوله دیگر به من شلیک کرد. این بار دستم را به فرمان ماشین گرفتم. از شدت درد توان نداشتم تا این که خودروی پراید بعد از تصادف با چند خودروی دیگر متوقف شد.

پرونده با موضوع قتل عمد

بعد از ثبت حرف‌های مرد دلا فرروش، کارآگاهان شماره پلاک خودروی متهم را بررسی کردند و متوجه شدند که پلاک آن از خودروی دیگری سرقت شده است. بررسی‌ها در جریان بود تا این که ۱۰ روز بعد از حادثه از بیمارستان خبر رسید که مرد دلافروش به علت شدت جراحات فوت شده است. این بار پرونده

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

بازداشت قاتل گانگستری در عملیات پلیسی

با موضوع قتل عمد تشکیل شد و به دستور قاضی ایلخانی، باز پرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی کارآگاهان اداره دهم، پلیس آگاهی تهران مأمور رسیدگی به پرونده شدند.

شناسایی سارق مسلح

کارآگاهان در بررسی سرقت‌های مشابه متوجه شدند که الاخر سال گذشته دوسرقت مشابه رقم خورده است. در هر دو سرقت سارق مسلح به همین شیوه و سوار بر خودروی پراید اقدام به سرقت از دلافروش‌ها کرده بود. کارآگاهان در بررسی‌های تخصصی خود سرانجام موفق شدند، راننده پراید را که مرد ۳۶ ساله‌ای به نام حمیدرضا بود شناسایی کنند و مرد دلافروش که به همین شیوه هدف سرقت قرار گرفته بودند با دیدن تصویر حمیدرضا او را شناسایی کردند. بعد از شناسایی شدن حمیدرضا کارآگاهان راهی خانه او در کرج شدند، اما متوجه شدند که او بعد از حادثه محل زندگی‌اش را تغییر داده است. کارآگاهان سرانجام مخفیگاه حمیدرضا را در شهر محمديه قزوین شناسایی و ظهر روز ۲۷ خردادماه محل را محاصره کردند. حمیدرضا وقتی از حضور پلیس باخبر شد، تلاش کرد خودش را به اسلحه‌اش برساند که مأموران پلیس مانع شدند. او با قدرت بدنی که داشت با پلیس درگیر شد، اما سرانجام بازداشت شد. در بررسی از مخفیگاه متهم یک قبضه اسلحه کمرب، ششور، گازاشک‌آور و تعداد زیادی پلاک‌های سرقتی خودرو کشف شد.

متهم در بازجویی‌های اولیه به قتل و سرقت از دو دلافروش اعتراف کرد و گفت: بعد از این که خبر فوت مرد دلافروش را در صفحه حوادث خواندم از کرج فرار کردم، اما فکرش را هم نمی‌کردم که دست پلیس به من برسد.

سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از متهم برای شناسایی جرائم دیگر در اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در جریان است.

نجات طلبکار از طناب دار با دیه ۵۲۰میلیونی



می‌آورد و بدقولی می‌کرد. به همین دلیل وقتی متوجه شدیم او در بیمارستان بستری است، تصمیم گرفتیم او را ترخیص کنیم و به ویلای یکی از دوستانمان در جاده چالوس ببریم. من و احسان طبق نقشه با ماشین به بیمارستان رفتیم و با اصرار مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم. قرار بود او را به ویلا ببریم، اما مقتول سنگین وزن بود و من نمی‌توانستیم او را جابه‌جا کنیم و از ماشین بیرون ببریم. این مشکل باعث شد دو روز با ماشین در خیابان‌ها بگردیم و در این مدت هر بار که او را پیدا کرده‌اند.

انتقال مجروح حادثه به بیمارستان در شاخه دیگری از بررسی‌ها مجروح حادثه که مردی ۵۳ ساله به نام علیرضا بود و از ناحیه شکم هدف اصابت می‌آورد و بدقولی می‌کرد. به همین دلیل وقتی متوجه شدیم او در بیمارستان بستری است، تصمیم گرفتیم او را ترخیص کنیم و به ویلای یکی از دوستانمان در جاده چالوس ببریم. من و احسان طبق نقشه با ماشین به بیمارستان رفتیم و با اصرار مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم. قرار بود او را به ویلا ببریم، اما مقتول سنگین وزن بود و من نمی‌توانستیم او را جابه‌جا کنیم و از ماشین بیرون ببریم. این مشکل باعث شد دو روز با ماشین در خیابان‌ها بگردیم و در این مدت هر بار که او را پیدا کرده‌اند.

انتقال مجروح حادثه به بیمارستان در شاخه دیگری از بررسی‌ها مجروح حادثه که مردی ۵۳ ساله به نام علیرضا بود و از ناحیه شکم هدف اصابت می‌آورد و بدقولی می‌کرد. به همین دلیل وقتی متوجه شدیم او در بیمارستان بستری است، تصمیم گرفتیم او را ترخیص کنیم و به ویلای یکی از دوستانمان در جاده چالوس ببریم. من و احسان طبق نقشه با ماشین به بیمارستان رفتیم و با اصرار مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم. قرار بود او را به ویلا ببریم، اما مقتول سنگین وزن بود و من نمی‌توانستیم او را جابه‌جا کنیم و از ماشین بیرون ببریم. این مشکل باعث شد دو روز با ماشین در خیابان‌ها بگردیم و در این مدت هر بار که او را پیدا کرده‌اند.

اخاذی از مردان در خانه زن صیغه‌ای

مرد طلافروش وقتی با دعوت زن مطلقه راهی خانه‌اش شد، نمی‌دانست که مرد خشن با ظفرهای اسید در انتظار او هستند. به گزارش خبرنگار ما، ۲۵ فروردین ماه مرد طلافروشی وارد اداره پلیس شد و گفت چند روز قبل زنی به نام پریس همراه دخترش وارد مغازم‌ها شد و سفارش ساخت یک دستبند داد. او دستگیر شده و با من مداد قرار شد که نمونه ساخته شده دستبند را برایش تلنگرام کنم. پریس چندبار دیگر به مغازم‌ها آمد و گفت که زنی مطلقه است که به تنهایی زندگی می‌کند. او گفت که چند ادواج ناموفق داشته‌است و از من دعوت کرد تا برای آشنایی بیشتر به خانه‌اش بروم که قبول کردم. امروز وقتی واردخانه شدم ناگهان دو مرد غریبه وارد شدند. یکی از آنها ظرفی به دست داشت که گفت داخلش اسید است. او گفت اگر ۴۰ میلیون تومان به آنها ندهم، اسید را به رویم خواهد ریخت. آنها بود که فهمیدم در دام پریس گرفتار شدم و راه فراری هم ندارم. من بیش از یک میلیون تومان در حسابم نداشتم که کارتم را به آنها دادم. از شاگرد مغازم‌ها هم درخواست پول کردم که او هم یک میلیون تومان به حسابم ریخت. خواستم ۲ میلیون تومان را بگیرم و راهایم کنند که قبول نکردند. بعد با برادرم تماس گرفتم و در خواست پول کردم که حرقم را جدی نگرفت و گوشی را قطع کرد. دو مرد خشن که از رسیدن به پول ناامید شده بودند، کتکم زدند و ۵۰ میلیون تومان سفته و ۲ مگه‌ای مشروط به پرداخت ۵۰ میلیون تومان برای موعد ۲۶ فروردین گرفتند. بعد برهنه‌ام کردند و از من فیلم گرفتند. آنها تهدید کردند اگر پول را پرداخت نکنم یا درباره ماجرا با پلیس حرف بزنم باید منظر منتشر شدن فیلم‌هایم باشند. بعد از آن بر سرکشانم از خانه وحشت خارج شوم.

بعد از مطرح شدن شکایات، تیمی از مأموران پلیس آگاهی



با موضوع قتل عمد تشکیل شد و به دستور قاضی ایلخانی، باز پرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی کارآگاهان اداره دهم، پلیس آگاهی تهران مأمور رسیدگی به پرونده شدند.

کارآگاهان در بررسی سرقت‌های مشابه متوجه شدند که الاخر سال گذشته دوسرقت مشابه رقم خورده است. در هر دو سرقت سارق مسلح به همین شیوه و سوار بر خودروی پراید اقدام به سرقت از دلافروش‌ها کرده بود. کارآگاهان در بررسی‌های تخصصی خود سرانجام موفق شدند، راننده پراید را که مرد ۳۶ ساله‌ای به نام حمیدرضا بود شناسایی کنند و مرد دلافروش که به همین شیوه هدف سرقت قرار گرفته بودند با دیدن تصویر حمیدرضا او را شناسایی کردند. بعد از شناسایی شدن حمیدرضا کارآگاهان راهی خانه او در کرج شدند، اما متوجه شدند که او بعد از حادثه محل زندگی‌اش را تغییر داده است. کارآگاهان سرانجام مخفیگاه حمیدرضا را در شهر محمديه قزوین شناسایی و ظهر روز ۲۷ خردادماه محل را محاصره کردند. حمیدرضا وقتی از حضور پلیس باخبر شد، تلاش کرد خودش را به اسلحه‌اش برساند که مأموران پلیس مانع شدند. او با قدرت بدنی که داشت با پلیس درگیر شد، اما سرانجام بازداشت شد. در بررسی از مخفیگاه متهم یک قبضه اسلحه کمرب، ششور، گازاشک‌آور و تعداد زیادی پلاک‌های سرقتی خودرو کشف شد.

متهم در بازجویی‌های اولیه به قتل و سرقت از دو دلافروش اعتراف کرد و گفت: بعد از این که خبر فوت مرد دلافروش را در صفحه حوادث خواندم از کرج فرار کردم، اما فکرش را هم نمی‌کردم که دست پلیس به من برسد.

سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از متهم برای شناسایی جرائم دیگر در اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در جریان است.

قصاص از سوی اولیای دم هیئت قضایی رضا را به اتهام قتل به قصاص و به اتهام آدم‌ربایی به ۱۵ سال حبس و سایر متهمان را به اتهام آدم‌ربایی به ۱۵ سال حبس محکوم کرد. این حکم بعد از تأیید در دیوان عالی کشور در استانه اقرار اجرا داشت که متهم توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند. بنابراین این پرونده بار دیگر در همان شعبه روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی زالی و مستشار اسلامی قرار گرفت. متهم به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت و گفت: قصد کشتن نداشتم. مقتول برای پرداخت بدهی‌اش بهانه می‌آورد و پولمان را پس نمی‌داد. روز حادثه حجت به خاطر بیماری‌ای که داشتم، داخل ماشین را کثیف کرده بود. باید او را از ماشین پیاده می‌کردم تا صندلی‌های ماشین را تمیز کنم، اما او سنگین وزن بود و من در ماشین تنها بودم و دوستانم سراغ خرید رفته بودند. به همین خاطر کلافه شدم و با شلینگ او را کتک زدم و تهدیدش کردم که او را بخواهم کشت. در حال حاضر مجروح بودیم که رضا حالش شد و بدید نفس نمی‌کشد. از ترس او را جلوی بیمارستان از ماشین پیاده و فرار کردم.

متهم در آخرین دفاعش گفت: تا یک قدمی چوبه دار بوده که با پرداخت ۵۲۰ میلیون تومان توانستم رضایت اولیای دم را جلب کنم. همچنین مبلغ بدهی‌ای را که از مقتول داشتم، نیز بخشیدم. پدر و برادرم با سختی این مبلغ را از دوستان و آشنایان قرض گرفتند تا مرا از زندان نجات دهند. چهارسال است که در زندانم و حالا دادگاه تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شود. در آخر هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

سقوط کامیون حامل میلگرد به دره ۶۰متری

سقوط خودروی سواری و کامیون حامل میلگرد به دره در دو حادثه جداگانه آتش‌نشانان راه‌آری محل کرد. در اولین حادثه که ساعت ۱۰:۱۳ روز شنبه در جاده امامزاده داوود، بعد از بل اول اتفاق افتاد، آتش‌نشانان ایستگاه ۲۴ با تماس راننده‌های خودروهای عبوری خود را به محل حادثه رساندند. مجید شهرمی، رئیس ایستگاه ۷۴ در توضیح ماجرا گفت: بررسی‌هایشان داد که خودروی سواری پژو ۲۰۶ در حال حرکت در جاده کوهستانی بوده که از مسیر اصلی منحرف شده‌است و به عمق ۱۰۰ متری دره حاشیه جاده سقوط می‌کند. وقتی امدادگران در محل حاضر شدند، راننده که زنی ۳۸ ساله بود، در اتاقک خودرو گرفتار شده بود که با تجهیزات مخصوص زن جوان را که دچار مصومیت شدید شده بود، از میان پاره‌های آهن خارج و به بیمارستان منتقل کردند.

سقوط کامیون حامل میلگرد به دره ۶۰متری در جریان دومین حادثه کامیون حامل میلگرد به دره‌ای در وردیج در غرب تهران سقوط کرد. وقوع این حادثه را ساعت ۱۹ روز شنبه رانندگان عبوری به آتش‌نشانان ایستگاه ۶۸ خبر دادند. بررسی امدادگران نشان داد که کامیون حامل بار میلگرد به علت نامعلومی از مسیر خود منحرف شده و به دره ۶۰متری سقوط کرده است. علی عبدالله آبادی، رئیس ایستگاه آتش‌نشانی گفت: آتش‌نشانان پس از ایمن کردن محل، راننده ۳۷ ساله را از اتاق متلاشی شده خودرو خارج و به بیمارستان منتقل کردند. علت وقوع دو حادثه در دست بررسی است.



سیستم جامع کنترل و نظارت در ارزیابی کلاتری‌ها تدوین شد



به گزارش خبرنگار ما، سردار محمد شرفی گفت: در برنامه‌ریزی برای نظارت سلالانه بر عملکرد رده‌های مجموعه پلیس پیشگیری ناجا، نظارت تخصصی و نظارت سستادی پیش‌بینی و همه موضوعات لازم در این مورد در نظر گرفته شده است. این برنامه‌ریزی‌ها ب‌دان مفهوم است که «نقشه راه» در اختیار رده‌ها قرار گرفته تا آنها با در اختیار داشتن آن، مسیر خود را به درستی طی کنند و سازمان را به هدف خود که خدمتگزاری به مردم عزیز است، برسانند.

وی افزود: برای اینکه بتوان به مقصد نهایی رسید؛ یک سیستم و نظام کنترل جامع سه‌ به‌ نام بازبینیه تعریف و تدوین شده است؛ بازبینیه‌ها؛ فرم‌هایی شامل تعداد زیادی فاکتورهای گوناگون هستند که به عوامل و ویژگی‌های مختلف در مأموریت و عملکرد کلاتری‌ها توجه کرده و به کارشناسان و بازرسان امکان می‌دهد تا وضعیت هر واحد را به صورت دقیق و همدند بررسی کنند، و واقع ارزیابی عملکرد کلاتری و پاسگاه‌ها؛ یک دید کلی از نقاط ضعف و قوت در اختیار فرماندهان می‌گذارد و به تصمیم‌گیری بهتر کمک می‌کند.

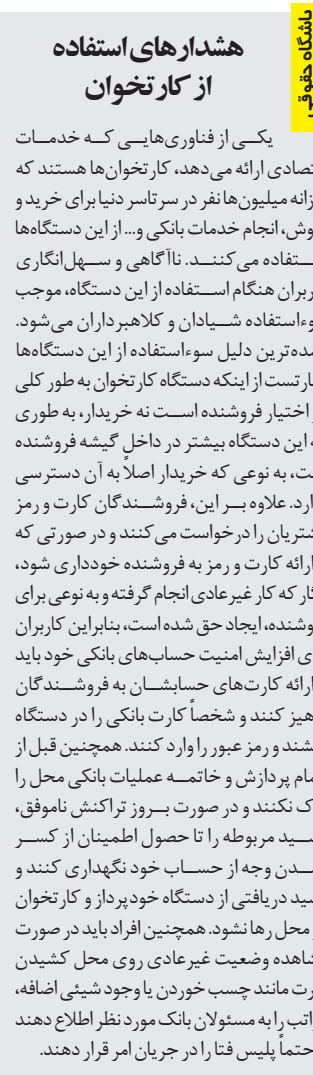
رئیس پلیس پیشگیری ناجا اضافه کرد: بازبینیه؛ یک سیستم نظارتی و کنترلی است که میزان آسیب‌پذیری سازمان را کاهش و رضایت ارباب رجوع را افزایش می‌دهد.

وی ادامه داد: همه این اقدامات به این منظور است که رشد و بالندگی سازمان و کارکنان را شاهد باشیم و «بازبینیه‌ها» همانند یک دربین این امکان را می‌دهد که نقاط ضعفی که در شرایط عادی قابل رؤیت نیست را به وضوح مشاهده کرده یا اینکه با مشاهده حرکت سازمان متوجه شوند مجموعه در مسیر اصلی خود قرار دارد یا نه؟!

وی با بیان اینکه اگر سازمان بر اساس همان اصول مشخص شده حرکت کند، پس می‌توان امیدوار بود که در مسیر دستیابی به هدف هستیم، تأکید کرد: اگر قصد داریم این عمل را به نحوی شایسته انجام دهیم، به «رشته عناصری» نیازمندیم، توجه به تمامی اسناد بالادستی به ویژه فرمان‌های صادر شده از سوی مقام معظم رهبری، قانون و همچنین که برعهده پلیس پیشگیری است و همچنین تدابیر هیئت رئیسه نیروی انتظامی و فرمانده ناجا که در طول سال ابلاغ می‌شود، برخی از عناصر و فاکتورهای مورد نیاز است.

سردار شرفی در توضیح کار کرد سیستم جامع بازبینیه خاطر نشان کرد: فعالیت تمام افراد به صورت دقیق در «بازبینیه‌ها» وارد می‌شود و میزان و کیفیت انجام کار، سنجش شده و پس از آن با معیارهای اصلی، مقایسه نهایی می‌شود تا در صد انحراف از وضعیت اصلی مشخص شود و اگر این کار به دقت انجام شود، نتایج خوبی خواهد داشت.

وی با بیان اینکه این فرآیند در راستای ارزشیابی عملکرد کلاتری و پاسگاه‌ها تدوین شده است، افزود: کاهش هزینه‌ها و ضایعات، پرهیز از دوباره کاری، کاهش شکایات مراجعان و افزایش اعتبار سازمانی و روحیه، انگیزش و ارتقاء توان دفاعی و رزمی کارکنان و جلب رضایت مردم در ارائه خدمات و رعایت حقوق شهروندی از مزیت‌های اجرایی این طرح است.



یکی از فناوری‌هایی که خدمات اقتصادی ارائه می‌دهد، کار تخوان‌ها هستند که روزانه میلیون‌ها نفر در سرتاسر دنیا برای خرید و فروش، انجام خدمات بانکی و... از این دستگاه‌ها استفاده می‌کنند. ناگاهی و سهیل‌انگاری کاربران هنگام استفاده از این دستگاه، موجب سوءاستفاده شیبانان از کار تخوان می‌شود. عمده‌ترین دلیل سوءاستفاده از این دستگاه‌ها عبارتست از اینکه دستگاه کار تخوان به طور کلی در اختیار فروشنده است نه خریدار، به طوری که سالانه بیشترین در داخل گیشه فروشنده است، به نوعی که خریدار اصلا به آن دسترسی ندارد. علاوه بر این، فروشنندگان کارت و رمز مشتریان را درخواست می‌کنند و در صورتی که از ارائه کارت و رمز به فروشنده خودداری شود، انگار که کار غیرعادی انجام گرفته و به نوعی برای فروشنده، ایجاد چپ شده است، بنابراین کاربران برای افزایش امنیت حساب‌های بانکی خود باید از ارائه کارتهای حسابشان به فروشنندگان پرهیز کنند و شخصاً کارت بانکی را در دستگاه بکشند و رمز عبور را وارد کنند. همچنین قبل از اتمام پردازش و خاصه عملیات بانکی محل را ترک نکنند و در صورت بروز تراکش ناموفق، رسید مربوطه را تا حصول اطمینان از کسر نشدن وجه از حساب خود نگهداری کنند و رسید دریافتی از دستگاه خودپرداز و کار تخوان در محل‌ها نشود. همچنین افراد باید در صورت مشاهده وضعیت غیرعادی روی محل کشیدن کارت مانند چسب خوردن یا وجود شبثی اضافه، مراتب را به مسئولان بانک مورد نظر اطلاع دهند یا حتماً پلیس فتا را در جریان امر قرار دهند.